ترجمان «خاموش»

بکر و ... به ... [stamp, partly illegible]

آستان قدس

۱۳۸۷/۲/۳۱

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

آخرین اشعار خاموش، جلد اول سوم ...

نام کتاب ....

مؤلف متن: اثر طبع میرزا علیخان خاموش ...... محشی ......

شارح ...... مترجم: به خط خود خاموش

تاریخ تحریر: نیمه اول سده ۱۴ ق ...... نوع خط: نستعلیق تحریری ...... تعداد سطر: مختلف

جزء کتب: ادبیات ...... زبان: فارسی ...... عدد اوراق: ۱۷

طول: ۲۱/۷ ...... عرض: ۱۷/۲ ...... شماره عمومی: ۲۸۱۳۹

وقفی / خریداری: دکتر عباس ترجمان ...... تاریخ ...... وقف / خریداری: اردیبهشت ۱۳۸۱

ملاحظات ....

۱۹

بازبینی شد ۸۹ - ۱۳۷۱ ش

ازره خلاص خود خاموش از تاریخ را

گفت (حاج شیخ عمادالدین بود کز جهان

۱۳۳۵ ۱۱۴۲ ۱۹۳

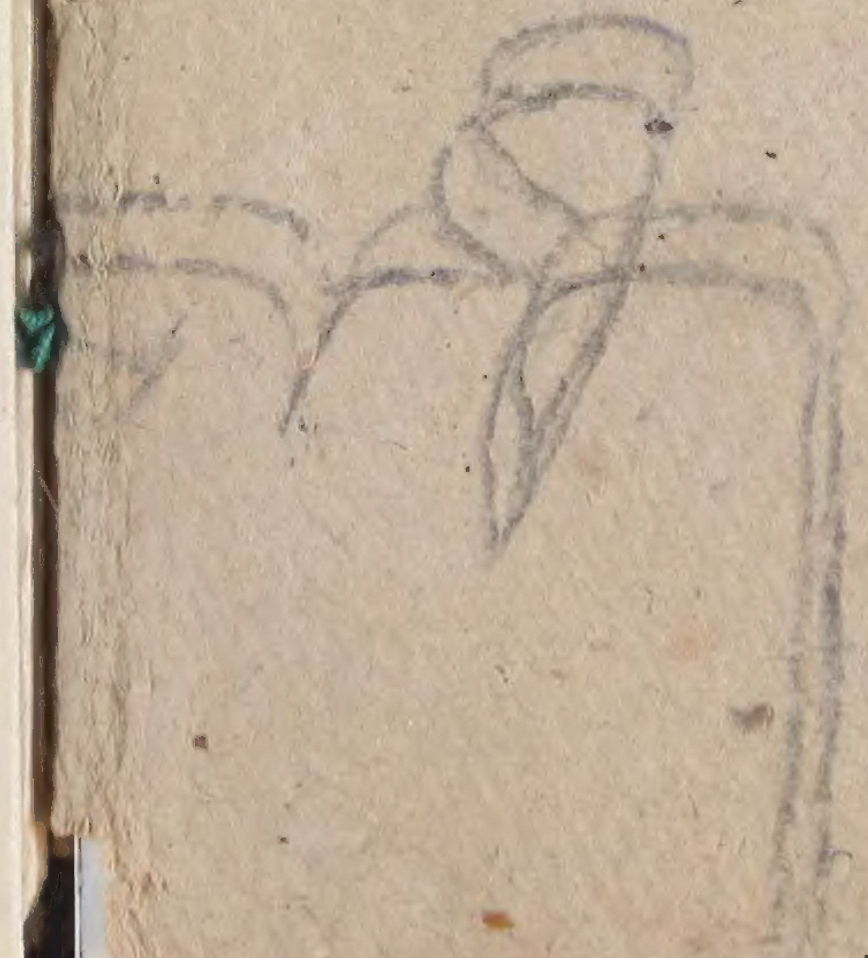

باسمه تعالی

آخرین اشعار پدر بزرگوارم مرحوم میرزا علی خان ترجمان «خاموش»

تاریخ وفات مرحوم مبرور آقای حاجی محمد تقی
شیخ عماد الدین سبزواری قدس سره

حیف کان شیخ طریقت با وفا و مهربان — رخت بربست از جهان و شد برون از این جهان
آن علی با اهل بیت آن اهل بیت با علی — حجة الله شیخ عماد سبزواری پاکجان
چارشنبه بیست و نه بگذشته از ماه صفر — یازده از مهر مه بگذشته ماه باستان
هم موحد بود و اهل الله و هم راه حق — نیز شیخ و مرشد پیر طریق سالکان
بی گنه بود و سبکبار از فنا سوی بقا — داعی حق را به لبیک اجابت شد روان
اندر این جهان گنجایش قدر بلند وی نداشت — مرغ روحش زین جهان شد سوی خلد جاودان
عاقبت پوشید صد افسوس از برد و کفن — پیکری کش عار بود از پرند و پرنیان
در جوار قرب یزدان شد به فردوس برین — از قدوم نازنینش حور و غلمان شادمان
از پی دیدار حق همراه اصلی شهید — در مقام قرب حق شد همدم پیغمبران
دیده از دنیای دون بربست و در عقبی گشود — شد درون حصن حق از بیم دوزخ در امان
از ره اخلاص خود خاموش این تاریخ را
گفت (حضرت شیخ عماد الدین) بود گنج جهان ۱۳۳۵
۱۰۹۳ ۱۱۴۲

چکنم گر که غمت با دل پرخون نخورم　چاره چه بکه ز خون جگر افزون نخورم
خون دل جز که بیاد لب میگون نخورم　روز و شب غصه و غم بیهده چون نخورم
چون ز دلدار کنم دورم [illegible] ز [illegible]

درد از دل تا هجر تو شده مهجور شدی　دل ما ز هجر تو خون دل گو شدی
تا ابد از اثرش خسته و رنجور شدی　تا ز چشم [illegible] رنجه دل [illegible] شدی
این چشم خونین که دل از دیده [illegible]

عمر من از هجر تو [illegible] گشته [illegible]　در کم خون دل [illegible]
حال [illegible] از [illegible] بارید　گر زین مژه صد قطره خون چکید
[illegible] درد دل از [illegible]

آه ز خم دل خاموش ز بس بد جا شود　شرر آتش عشق بد گیتی افروز
تا قیامت اثرش ثابت و باقی [illegible]　حفظ [illegible]
تو از این [illegible] بخته بجلی آزاد

[illegible] حبیب احباب　[illegible]　[illegible] خیر [illegible]
[illegible]　[illegible]　[illegible]
[illegible] فاتحه احباب [illegible]　[illegible]　خاموش [illegible] تاریخ [illegible]
سال [illegible]

۷۴۳ / ۶۳۵ / ۱۳۷۸

۱۷

رباعی در تاریخ سرکنسولگری شاهرودی بصره عرض شد

صد شکر که حال شاهرودی صالح　گشت از ترقی صعودی صالح
خاموش ز کلک در تاریخش گفت　سرکنسول بصره شاهرودی صالح

۱۲۹　۵۲۶　۲۹۷　۴۲۶
۲۹۷
۱۳۷۱　۴۲۶

چون رفت دعای عرفه کبیر　ز خاموش بی دانش و کم پیر
به آیه خدا شیخ عبدالکریم　که بر شهر زنجانی آمد شهیر
بمانا ز افاضات وی برقرار　بتائید پروردگار قدیر

یکی آمد و گفت تاریخ گفت　بتوحید پروردگار قدیر

۴۳۰　۶۳۳　۳۱۴
۱۳۷۷
۱
۱۳۷۸

دو مصرع یک اول و ثانی　گنج خاموش به دوران
گشت تقدیم حجة الاسلام　شیخ عبدالکریم زنجانی

این رباعیات [illegible] خاموش به [illegible] برحسب [illegible]

[illegible] خاموش [illegible] شد در راه [illegible] بجناب [illegible] آیت الله زاده [illegible]
هدیه نامه [illegible]　بسید رسول [illegible] نور محمود پور"

رحامی شوی این هکذا [illegible] ساے
رحامی شوی این [illegible] الله شد ساے
مرتبه این [illegible] شد سالے

سید [illegible] علامه [illegible] لو کساے
سید [illegible] علامه [illegible] لو کساے
سید [illegible] دریای علم [illegible]

بازبینی شد
۸۹-۱۳۷۱ش